

چالش‌های نهاد آراء وحدت‌رویه^۱

محمد رضا رفیعی*

چکیده

«وحدت رویه قضایی»، با توجه به مفاد اصل ۱۶۱ قانون اساسی، یکی از آرمان‌های نظام قضایی ما می‌باشد. برای ایجاد وحدت رویه قضایی راهکارهای مختلفی متصور است که از جمله، صدور آراء وحدت رویه قابل ذکر می‌باشد. دیوان عالی کشور و دیوان عدالت اداری صلاحیت قانونی صدور آراء وحدت رویه را دارند و تاکنون آراء فراوانی از سوی هیئت‌های عمومی این دو دیوان صادر شده است. با این حال، نهاد آراء وحدت رویه با چالش‌های متعددی روبه‌رو است که با توجه به جایگاه مهم این آراء در نظام حقوقی و قضایی ما، رفع آن‌ها ضروری است. گام اول برای تحقق این مهم، شناسایی این چالش‌هاست که هدف این نوشتار می‌باشد. پرسش اصلی این نوشتار، از این قرار است: نهاد آراء وحدت رویه با چه چالش‌هایی روبه‌روست؟ نتایج حاصل از این تحقیق که به روش توصیفی و تحلیلی انجام شده است بدین شرح است که برخی از چالش‌های این نهاد، ماهیت ساختاری دارند که از جمله می‌توان به مغایرت با قانون اساسی، نبود نظارت شرعی و قانون اساسی، تعدد مراجع صادرکننده و هم‌پوشانی تابعان، عدم پوشش تعارضات خارج از رأی، مشخص نبودن زمان لازم‌الاجرا شدن آراء وحدت رویه و حدود اثرگذاری آن‌ها بر گذشته اشاره کرد. برخی دیگر، ریشه در عملکرد مراجع صادرکننده دارد که از جمله، نابسندگی، نابهنگامی، عدم رعایت قاعده اهم و مهم و عدم اتقان و استحکام لازم قابل ذکر است.

واژگان کلیدی: آراء وحدت رویه، دیوان عالی کشور، دیوان عدالت اداری، چالش‌های ساختاری، چالش‌های کارکردی

۱. در نگارش این مقاله، از راهنمایی‌های دوستان عزیزم آقای ایمان غریب‌نواز و آقای دکتر محمد قاسم تنگستانی بهره‌مند بودم و از ایشان سپاسگزارم.

* قاضی دادگستری، دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران (پردیس فارابی)، قم، ایران

mrrafiey@gmail.com

مقدمه

«وحدت رویه قضایی»، با توجه به مفاد اصل ۱۶۱ قانون اساسی، یکی از آرمان‌های نظام‌های قضایی ما می‌باشد. برای ایجاد وحدت رویه قضایی راهکارهای مختلفی متصور است که از جمله، صدور آراء وحدت رویه قابل ذکر می‌باشد. هیئت دیوان عالی کشور در موارد تعارض آراء شعب دیوان عالی کشور یا دادگاه‌ها، بنا به تجویز قانون‌گذار، صلاحیت صدور آراء وحدت رویه را دارند که این آراء برای مراجع قضایی و غیرقضایی لازم‌الاتباع است. همچنین هیئت عمومی دیوان عدالت اداری نیز در موارد تعارض آراء شعب این مرجع، صلاحیت قانونی صدور آراء وحدت رویه را دارد که این آراء برای شعب دیوان عدالت اداری و مراجع اداری لازم‌الاتباع است. تاکنون آراء فراوانی از سوی این دو هیئت صادر شده است.

نهاد آراء وحدت رویه با چالش‌های متعددی مواجه است. با توجه به جایگاه مهم این آراء در نظام حقوقی ما، که از لازم‌الاتباع بودن آن‌ها و نیز فراوانی این آراء ناشی می‌شود، رفع این چالش‌ها ضروری است. لازم به ذکر است که برخی از چالش‌ها، ماهیت ساختاری دارند و از جایگاه این آراء در سلسله مراتب هنجارها و ترتیبات قانونی تعریف شده برای مؤلفه‌های مختلف صدورشان ناشی می‌شود. برخی دیگر ریشه در عملکرد مراجع صادرکننده (هیئت عمومی دیوان عالی کشور و هیئت عمومی دیوان عدالت اداری) دارد و ناظر به این پرسش اساسی این است که این آراء، با لحاظ محدودیت‌های ساختاری برشمرده شده، تا چه حد توانسته‌اند هدف مربوط، یعنی ایجاد وحدت رویه قضایی، را محقق کنند؟ مؤلفه‌های مختلفی از حیث کمیت، کیفیت، زمان، اهمیت موضوع و... می‌توانند مبنای ارزیابی کارکردی قرار گیرند و آسیب‌های مربوط را نشان دهند.

لازم به ذکر است که تاکنون، آنچنان که شایسته است، نهاد آراء وحدت رویه ارزیابی جدی و همه‌جانبه‌ای به خود ندیده است. البته تأملات قابل توجهی در باب برخی از مباحث مربوط انجام شده است که از آن‌ها بهره گرفته شده است. پرسش اصلی که این نوشتار در پی پاسخ به آن است: نهاد آراء وحدت رویه در کشور ما با کدام چالش‌های ساختاری و کارکردی روبه‌رو است؟ اشاره به این نکته ضروری است که شناسایی راهکارهای رفع چالش‌های برشمرده شده، از حوصله این نوشتار خارج است و مجال دیگری می‌طلبد. با این حال، به اختصار نکاتی ذکر شده است. ضمناً برخی مراجع شبه قضایی (از جمله شورای عالی ثبت و دیوان محاسبات کشور) نیز صلاحیت قانونی صدور رأی وحدت رویه را دارند که در این نوشتار به آن‌ها پرداخته نمی‌شود.

این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی نوشته شده و در سه بخش سامان یافته است. در ابتدا سیر تحولات قانونی نهاد آراء وحدت رویه، به اختصار و به هدف تمهید بستر لازم برای طرح مباحث

بعدی، بررسی می‌شود. در بخش دوم و طی شش گفتار چالش‌های ساختاری بررسی می‌شود که عبارتند از: مغایرت با قانون اساسی، نبود نظارت شرعی و قانون اساسی، تعدد مراجع صادرکننده و هم‌پوشانی تابعان، عدم پوشش تعارضات خارج از رأی، مشخص نبودن زمان لازم‌الاجرا شدن آراء وحدت‌رویه و حدود اثرگذاری آراء وحدت‌رویه بر گذشته. در بخش آخر و طی چهار گفتار چالش‌های کارکردی بررسی می‌شود که ترتیب آن‌ها بدین شرح است: نابسندگی، نابهنگامی، عدم رعایت قاعده اهم و مهم و عدم اتقان و استحکام لازم.

۱. سیر تحولات قانونی نهاد آراء وحدت‌رویه

در خصوص اینکه بر اساس چه تفکراتی و با چه توجیهاتی، نهاد آراء وحدت‌رویه وارد نظام حقوقی ما شده است، اطلاع دقیقی در دست نیست.^۱ بر این اساس، اظهار نظر دقیق در مورد ابداعی یا اقتباسی بودن این نهاد دشوار است.^۲ در قانون اساسی مشروطه و متمم آن، از مقوله «ایجاد وحدت‌رویه قضایی» سخنی به میان نیامده است. اولین تلاش قانون‌گذار در این خصوص، مواد ۴۲ و ۴۳ قانون امور حسبی، مصوب ۱۳۱۹ است. اما ماده واحده قانون مربوط به وحدت‌رویه قضایی، مصوب ۱۳۲۸، اولین مبنای کلی صدور آراء وحدت‌رویه در نظام حقوقی ماست.^۳ همچنان که از مفاد این ماده فهمیده می‌شود: اولاً مبنای وضع این ماده، اختلاف بین شعب دیوان عالی کشور بوده است. و از این رو، اختلاف رویه

۱. دکتر متین دفتری در مورد ماده واحده سال ۱۳۲۸، که در ادامه به آن اشاره می‌شود، به گفتن این جمله بسنده کرده است: «در سال ۱۳۲۸ برای تأمین وحدت‌رویه قضایی، قانونی به تصویب کمیسیون قوانین مجلس شورای ملی رسید و به مورد اجرا گذارده شد که بسیار حائز اهمیت است.» نک: (متین دفتری، ۱۳۸۱: ۶-۷۵).

۲. لازم به ذکر است که بنا به دیدگاهی، نهاد آراء وحدت‌رویه برگرفته از فرانسه است. حال آنکه ظاهراً در فرانسه نهادی با ویژگی‌های آراء وحدت‌رویه ما وجود ندارد. (نک: صدرزاده افشار، ۱۳۷۳؛ محسنی، ۱۳۹۶: ۵۴۶-۵۴۵ و وکیلان، ۱۳۹۷: ۶۶-۶۸) با این حال، نهاد مشابه آن در دیگر کشورها وجود دارد. از جمله، در برزیل نهادی با عنوان «سومالا» (Súmula) وجود دارد. ماده ۱۰۳-الف قانون اساسی این کشور، اصلاحی سال ۲۰۰۴، به این نهاد اختصاص یافته است. به موجب این ماده دیوان عالی فدرال می‌تواند در موارد اختلاف جدی بین مراجع قضایی و یا بین این مراجع و مراجع اداری، سومالا صادر کند. سومالا از زمان انتشار در روزنامه رسمی، برای مراجع مذکور لازم‌الاتباع خواهد بود. در مقاله دیگری به تفصیل به این مباحث پرداخته شده است (نک: رفیعی، ۱۳۹۸).

۳. در این ماده چنین مقرر شده است: «هر گاه در شعب دیوان عالی کشور نسبت به موارد مشابه رویه‌های مختلف اتخاذ شده باشد به تقاضای وزیر دادگستری یا رییس دیوان مزبور و یا دادستان کل هیأت عمومی دیوان عالی کشور که در این مورد لاقلاً با حضور سه رعی از رؤسا و مستشاران دیوان مزبور تشکیل می‌یابد موضوع مختلف‌فیه را بررسی کرده و نسبت به آن اتخاذ نظر می‌نمایند در این صورت نظر اکثریت هیأت مزبور برای شعب دیوان عالی کشور و سایر دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است و جز به موجب نظر هیأت عمومی یا قانون قابل تغییر نخواهد بود.»

دادگاه‌ها به تنهایی نمی‌توانسته است موجب صدور رأی وحدت‌رویه شود. ثانیاً، حوزه شمول این ماده ناظر به تمامی دعاوی ای است که شعب دیوان عالی کشور راجع به آن‌ها رأی صادر می‌کنند. ثالثاً، در این ماده از تعبیر صدور رأی خبری نیست، بلکه «اتخاذ نظر» صورت می‌گیرد. رابعاً، نظرات هیئت عمومی برای شعب دیوان عالی کشور و سایر دادگاه‌ها لازم‌الاتباع دانسته شده است. خامساً، به موجب قسمت اخیر ماده، این نظرات حسب نظر هیئت عمومی یا قانون قابل تغییر هستند که به نظر می‌رسد این تغییر، علاوه بر اصلاح، می‌تواند الغای کامل نیز باشد.

مقرره قانونی بعدی، با عنوان ماده سوم از مواد اضافه شده به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب یکم مرداد ۱۳۳۷ است که برای جبران نقیصه سکوت ماده واحده قبلی در مورد اختلاف بین دادگاه‌ها تصویب شد (هاشمی، ۱۳۹۰: ۱۶). پس از آن، ماده ۲۷۰ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب ۱۳۷۸ تصویب شد که با ادغام دو ماده قبلی، اختلاف شعب دیوان عالی و اختلاف دادگاه‌ها را دربرمی‌گیرد. در این ماده از تعبیر «صدور رأی» استفاده شده است. در این ماده همانند ماده واحده، آراء وحدت‌رویه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع دانسته شده است.

از آنجا که در زمان تصویب این ماده، دیوان عدالت اداری تشکیل شده بود، اینکه آیا این آراء برای هیئت عمومی دیوان عدالت اداری و شعب این دیوان لازم‌الاتباع بوده است یا خیر محل تردید است. سخت بتوان گفت که اطلاق عنوان «دادگاه‌ها»، مراجع مذکور را نیز دربرمی‌گیرد. همچنین اشاره به این نکته ضروری است که «در ذیل ماده واحده، اجازه تجدیدنظر به هیئت عمومی نسبت به رأی داده شده بود ولی [به موجب ماده ۲۷۱ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب ۱۳۷۸]، این حق صریحاً سلب گردید» (هاشمی، ۱۳۹۰: ۱۶).

ماده ۴۷۱ قانون آئین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲ آخرین مقرره قانونی مربوط است. در این ماده، آراء وحدت‌رویه علاوه بر شعب دیوان عالی و دادگاه‌ها، برای «سایر مراجع، اعم از قضایی و غیر آن» نیز لازم‌الاتباع دانسته شده است. به نظر می‌رسد این عبارات تاب این تفسیر را دارد که هیئت عمومی دیوان عدالت اداری و شعب این دیوان را نیز دربرگیرد، هرچند تردید باقی است. ضمناً در این ماده، برخلاف ماده ۲۷۰، از قید مطابقت با شرع خبری نیست. اشاره به این نکته نیز ضروری

۱. در این ماده چنین آمده است: «آرای هیأت عمومی دیوان عالی کشور قابل تجدیدنظر نبوده و فقط به موجب قانون بی‌اثر می‌شوند.» این ماده با این ایراد مواجه شده است که «نفی صلاحیت مرجع مفسر در اصلاح تفسیر می‌تواند خلاف اصول شمرده شود.» نک: (شمس، ۱۳۸۴: ۱۰۱).

است که به موجب ماده ۴۷۳ این قانون،^۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور مجدداً اجازه تجدیدنظر در آراء وحدت‌رویه قبلی خود را به دست آورد.

اولین قانون ناظر به صدور رأی وحدت‌رویه از سوی دیوان عدالت اداری که اولین قانون ناظر به صدور رأی وحدت‌رویه بعد از تصویب اصل ۱۶۱ قانون اساسی نیز به شمار می‌آید، ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری، مصوب ۱۳۶۰ است.^۲ به موجب این ماده، مطلق تناقض آراء می‌تواند مبنای صدور رأی وحدت‌رویه از سوی هیئت عمومی این دیوان قرار گیرد. پس از آن، بند ۲ ماده ۱۹ قانون دیوان، مصوب ۱۳۸۵ قابل ذکر است که صدور رأی وحدت‌رویه در مورد آراء متناقض صادره از شعب دیوان را در صلاحیت هیئت عمومی قرار داده است. ماده ۴۳ این قانون نیز فرایند صدور این آراء و آثار آن‌ها را تشریح کرده است. در آخرین قانون دیوان عدالت اداری، به موجب بند ۲ ماده ۱۲ یکی از صلاحیت‌های هیئت عمومی چنین است: «صدور رأی وحدت‌رویه در موارد مشابه که آراء متعارض از شعب دیوان صادر شده باشد.» ماده ۸۹ این قانون نیز فرایند صدور این آراء و آثار آن‌ها را تشریح کرده است.

در مقام مقایسه مبنای صدور آراء وحدت‌رویه دیوان عالی کشور و دیوان عدالت اداری، گفتنی است که دیوان عالی کشور در موارد «استنباط متفاوت از قوانین» اقدام به صدور رأی وحدت‌رویه می‌نماید. اما مبنای صدور رأی وحدت‌رویه از دیوان عدالت اداری، به صورت مطلق، «صدور آراء متعارض در موارد مشابه» ذکر شده است. لازم به ذکر است هیئت عمومی دیوان عدالت اداری،

۱. به موجب این ماده: «آرای وحدت‌رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور، فقط به موجب قانون یا رأی وحدت‌رویه مؤخری که مطابق ماده (۴۷۱) این قانون صادر می‌شود، قابل تغییر است.»

۲. به موجب این ماده: «هرگاه از شعب مختلف دیوان عالی کشور یا دادگاه‌ها نسبت به موارد مشابه، اعم از حقوقی، کیفری و امور حسبی، با استنباط متفاوت از قوانین، آراء مختلفی صادر شود، رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور، به هر طریق که آگاه شوند، مکلفند نظر هیئت عمومی دیوان عالی کشور را به منظور ایجاد وحدت‌رویه درخواست کنند. هر یک از قضات شعب دیوان عالی کشور یا دادگاه‌ها یا دادستان‌ها یا وکلای دادگستری نیز می‌توانند با ذکر دلیل از طریق رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور، نظر هیئت عمومی را درباره موضوع درخواست کنند. هیئت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست رئیس دیوان عالی یا معاون وی و با حضور دادستان کل کشور یا نماینده او و حداقل سه چهارم رؤسا و مستشاران و اعضای معاون تمام شعب تشکیل می‌شود تا موضوع مورد اختلاف را بررسی و نسبت به آن اتخاذ تصمیم کنند. رأی اکثریت در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها و سایر مراجع، اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است؛ اما نسبت به رأی قطعی شده بی‌اثر است. در صورتی که رأی، اجراء نشده یا در حال اجراء باشد و مطابق رأی وحدت‌رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور، عمل انتسابی جرم شناخته نشود یا رأی به جهاتی مساعد به حال محکوم علیه باشد، رأی هیئت عمومی نسبت به آراء مذکور قابل تسری است و مطابق مقررات قانون مجازات اسلامی عمل می‌شود.»

علاوه بر تعارضات حکمی (تعیین یا تفسیر قانون حاکم)، در موارد معدودی، تعارضات موضوعی را نیز مبنای صدور رأی وحدت‌رویه قرار داده است (نک: رفیعی، ۱۳۹۹: ۱۰۸-۱۰۶).

۲. چالش‌های ساختاری

نهاد آراء وحدت‌رویه با چالش‌های ساختاری متعددی مواجه است که از جایگاه این آرا در سلسله‌مراتب هنجارها و ترتیبات قانونی تعریف شده برای مؤلفه‌های مختلف صدورشان ناشی می‌شود. از جمله، این‌ها قابل اشاره است: مغایرت با قانون اساسی، نبود نظارت شرعی و قانون اساسی، تعدد مراجع صادرکننده و تابعان آراء وحدت‌رویه، مبنای غیردقیق صدور آراء وحدت‌رویه، عدم پوشش تعارضات خارج از رأی، مشخص نبودن زمان لازم‌الاجرا شدن آراء وحدت‌رویه و اثر آراء وحدت‌رویه نسبت به گذشته. در ادامه به بررسی این چالش‌ها می‌پردازیم.

۲-۱. مغایرت با قانون اساسی

اولین ایراد به نهاد صدور آراء وحدت‌رویه مغایرت آن با قانون اساسی است. با توجه به اینکه آراء وحدت‌رویه دیوان عالی کشور و دیوان عدالت اداری، بر اساس نکاتی که به آن‌ها اشاره می‌شود، وضعیت متفاوتی دارند، به تفکیک مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

در مقام ارزیابی نسبت نهاد صدور آراء وحدت‌رویه دیوان عالی کشور با قانون اساسی در ابتدا طرح این پرسش ضروری است که آیا اصل ۱۶۱ قانون اساسی متضمن تجویز صدور آراء وحدت‌رویه از سوی دیوان عالی کشور است؟ به باور یکی از نویسندگان «از این اصل نمی‌توان استنباط کرد که دیوان عالی می‌تواند رأی وحدت‌رویه‌ای صادر کند که همه دادگاه‌ها به تبعیت از آن ملزم باشند» (جعفری‌تبار، ۱۳۹۶: ۴۸) این نویسنده بیان داشته است که «به نظر می‌رسد مقصود اصل ۱۶۱ قانون اساسی ... از وحدت‌رویه، فقط ایجاد نهادی برای فرجام‌خواهی و یا مشورت احتمالی و اختیاری قاضیان بوده است ... قانون اساسی می‌خواسته است که دیوان عالی کشور با رسیدگی فرجامی خود بر آراء دادگاه‌های پایین‌تر نظارت داشته باشد، و با فرجام ایجاد وحدت‌رویه کند نه با صدور رأی وحدت‌رویه» (جعفری‌تبار، ۱۳۹۶: ۵۴-۵۳). اما در نقطه مقابل، گفته شده است که «تصریح قانون اساسی به اینکه ایجاد وحدت‌رویه قضایی از وظایف دیوان عالی کشور است از یک‌سو و توجه به این موضوع که این تصریح در زمانی صورت گرفته که هیئت عمومی قوانین سال ۱۳۲۸ و ۱۳۳۷ را به همین منظور اجرا می‌کرده حاکی از آن است قانون اساسی همین روش را پذیرفته است و به قوه قضاییه برخلاف تفکیک قوا اجازه داده قاعده کلی لازم‌الاتباع وضع کند» (باری، ۱۳۹۶: ۳۱).

در مقام ارزیابی این دو دیدگاه، باید به این پرسش پاسخ داد که آیا ایجاد وحدت‌رویه، با صدور رأی وحدت‌رویه تلازم دارد یا خیر؟ اگر بلی، آنگاه بنا به قاعده «اذن در شی، اذن در لوازم آن است»،

باید دیدگاه دوم را پذیرفت. یعنی اصل ۱۶۱ متضمن تجویز صدور آراء وحدت‌رویه از سوی دیوان عالی کشور است. اما اگر بر این باور باشیم که ایجاد وحدت‌رویه، با صدور رأی وحدت‌رویه تلازمی ندارد، در این صورت دیدگاه دوم مردود خواهد بود، اما با این حال، نمی‌توان گفت که اصل ۱۶۱ متضمن تجویز صدور آراء وحدت‌رویه نیست. چه اینکه، بنا به این دیدگاه، هرچند اصل ۱۶۱ اختیار دیوان عالی کشور برای صدور رأی وحدت‌رویه را تجویز نمی‌کند، اما منع صدور این‌گونه آرا نیز از این اصل قابل استنباط نیست. این ادعا که «قانون اساسی می‌خواسته است که دیوان عالی کشور با رسیدگی فرجامی خود... ایجاد وحدت‌رویه کند» با ظاهر اصل ۱۶۱ مطابقت ندارد. در این اصل، تکالیف دوگانه‌ای برای دیوان عالی کشور تعریف شده است^۱ که قابل فروکاستن به یک تکلیف نیست.^۲ البته این دوگانگی وظایف، مانع از آن نیست که با ابزار یکسانی محقق شوند.

اما در انتخاب بین این دو پاسخ، پاسخ منفی به پرسش مطرح شده، موجه‌تر به نظر می‌رسد. چراکه ایجاد وحدت‌رویه می‌تواند به انحای مختلفی صورت گیرد و در صدور آراء وحدت‌رویه، به کیفیت کنونی، منحصر نیست. به‌طور مثال، کافی است آراء وحدت‌رویه، در مقایسه با وضعیت کنونی، از قدرت هنجاری کمتری برخوردار باشند. یا فراتر از آن، اساساً رأی وحدت‌رویه‌ای صادر نشود و هیئت عمومی دیوان عالی کشور، درخصوص موضوعات اختلافی اعلام نظر کند.^۳ همچنین این گزینه نیز قابل ذکر است که در مقام ایجاد وحدت‌رویه، آراء فرجامی و اصراری دیوان عالی کشور، لازم‌الاتباع اعلام شود. در این صورت، داوری در مورد موجه بودن تجویز اختیار صدور آراء وحدت‌رویه برای دیوان عالی کشور، به تأملاتی فراتر از این اصل نیاز دارد که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

اگر بر این باور باشیم که اصل ۱۶۱ نه اختیار دیوان عالی کشور برای صدور رأی وحدت‌رویه را تجویز، و نه منعی ایجاد کرده است، آنگاه باید به این پرسش پاسخ دهیم که نسبت این نهاد با دیگر اصول قانون اساسی چیست؟ از جمله اصولی که برای پاسخ به این پرسش باید به آن توجه کرد، اصل

۱. لازم به ذکر است که وظایف دیوان عالی کشور در اصل ۱۶۱ قانون اساسی، دارای شق سوم نیز است: «انجام مسئولیت‌هایی که طبق قانون به آن محول می‌شود.»

۲. اشاره به این دیدگاه نیز مفید است که صدور آراء وحدت‌رویه «را باید یکی از طرق ایفای نقش نظارتی دیوان مذکور بر حسن اجرای قوانین در محاکم دانست» نک: (عابدیان، ۱۳۷۸: ۴۰).

۳. این دو گزینه با این ایراد مواجهند که فاقد اثربخشی لازم هستند. هرچند این ایراد وارد است اما نمی‌توان از اصل ۱۶۱ قانون اساسی این نکته را استخراج کرد که اقدامات دیوان عالی کشور در ایجاد وحدت‌رویه باید در بالاترین سطح اثربخشی باشد.

۵۷ است که قوای سه‌گانه را مستقل از یکدیگر اعلام کرده است. به موجب اصل ۵۸ «اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است». همچنین باید به بند ۲ اصل ۱۵۸ اشاره کرد که اختیارات رییس قوه قضائیه ناظر به حوزه تقنین، در حد «تهیه لوایح قضایی» است. با توجه به این اصول، به نظر می‌رسد صدور آراء وحدت‌رویه، به لحاظ تعرض به حوزه تقنین، مغایر قانون اساسی است. با این حال، در مقام رد این دیدگاه، استدلالاتی قابل ارائه است. از جمله، انکار ماهیت تقنینی آراء وحدت‌رویه است. اگر به ماهیت تقنینی آراء وحدت‌رویه قائل نباشیم، ایراد تعرض به حوزه تقنین منتفی است. اما در مقابل گفتنی است که ماهیت تقنینی آراء وحدت‌رویه قابل انکار نیست. همچنین می‌توان چنین استدلال کرد که هرچند آراء وحدت‌رویه دارای ماهیت تقنینی است، اما این امر از الزامات انجام وظایف تعریف شده برای قوه قضائیه در قانون اساسی است. در مقابل چنین می‌توان گفت که از اصول قانون اساسی و از جمله اصل ۱۵۶، چنین الزامی قابل استنتاج نیست.^۱

شورای نگهبان، با توجه به عدم ایراد به ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب ۱۳۷۸ و ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲، صدور آراء وحدت‌رویه از سوی دیوان عالی کشور را مغایر قانون اساسی ندانسته است. در خصوص چرایی امر، یکی از استدلال‌ات متصور چنین است که این شورا ایجاد وحدت‌رویه را با صدور رأی وحدت‌رویه متلازم دانسته است. حال نوبت بررسی وضعیت آراء وحدت‌رویه دیوان عدالت اداری با قانون اساسی است. پرسش این است که آیا صدور آراء وحدت‌رویه از سوی دیوان عدالت اداری مغایر قانون اساسی است؟ شورای نگهبان ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری، مصوب ۱۳۶۰ را مغایر قانون اساسی تشخیص نداد. اما در جریان تصویب قانون دیوان عدالت اداری، مصوب ۱۳۸۵، ماده ۴۴ مصوبه مجلس (ماده ۴۳ قانون) چنین مورد ایراد قرار گرفت: «ایجاد وحدت‌رویه از اختصاصات دیوان عالی کشور است، به جهت اطلاق آن نسبت به مواردی که در صلاحیت محاکم عمومی است مغایر اصل ۱۶۱ قانون اساسی شناخته شد.»^۲ لازم به ذکر است در مصوبه مجلس، آراء وحدت‌رویه

۱. به نظر نمی‌رسد مقایسه صلاحیت صدور آراء وحدت‌رویه قضایی با صلاحیت قوه مجریه در وضع مقرر کارساز باشد. با این توضیح که همان گونه که اقتضای اجرای قانون، مقررات‌گذاری است، اقتضای قضاوت، صدور آراء وحدت‌رویه است. چه اینکه، مقررات، برخلاف آراء وحدت‌رویه، در جایگاهی مادون قانون قرار می‌گیرد. مضافاً اینکه، ایراد مغایرت مقررات‌گذاری با اصل تفکیک قوا نیز قابل توجه است. ضمن اینکه به موجب اصل ۱۳۸، صلاحیت مقررات‌گذاری شماری از مقامات قوه مجریه تجویز شده است.

۲. نظریه شماره ۸۴/۳۰/۱۴۳۰۶ مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۱۹

دیوان عدالت اداری برای مراجع قضایی نیز لازم‌الاتباع اعلام شده بود.^۱ در نهایت، پس از حذف این بخش از ماده، شورای نگهبان آن را تأیید کرد. در مقام ارزیابی چنین می‌توان گفت که شورای نگهبان ایجاد وحدت‌رویه برای مراجع قضایی را از اختصاصات دیوان عالی کشور دانسته است؛ اما ایجاد وحدت‌رویه برای شعب دیوان عدالت اداری و مراجع اداری را مختص دیوان عالی کشور نمی‌داند. با توجه به آنچه پیش‌تر گفته شد، از مفاد اصل ۱۶۱ و سایر اصول قانون اساسی قرینه‌ای به دست نمی‌آید که بتواند این تفکیک را موجه سازد.

لازم به ذکر است که در جریان بررسی مصوبه مجلس شورای اسلامی در مورد قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری در شورای نگهبان، در مورد بند ۲ ماده ۱۰ مصوبه (ناظر به تعریف صلاحیت صدور آراء وحدت‌رویه) در این شورا چنین دیدگاهی طرح شده است که صدور آراء وحدت‌رویه از سوی دیوان عدالت اداری، خلاف قانون اساسی است. برای اثبات این ادعا، علاوه بر اصل ۱۶۱ قانون اساسی، به اصول ۷۳ و ۸۵ نیز استناد شده است. با این توضیح که لازم‌الاتباع دانستن آراء وحدت‌رویه برای شعب دیوان عدالت اداری، نادیده گرفتن اختیار دادرسان برای تفسیر قوانین، و مداخله در امر قانون‌گذاری است. در نقطه مقابل، گفته شد که مجلس شورای اسلامی به موجب حکم قسمت اخیر اصل ۱۷۳ (حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند)، صدور آراء وحدت‌رویه را در صلاحیت هیئت عمومی دیوان عدالت اداری قرار داده است. ضمناً از اصل ۱۶۱، حصر ایجاد وحدت‌رویه توسط دیوان عالی کشور برداشت نمی‌شود. در نهایت دیدگاه اخیر (عدم مغایرت)، حاکم شد.^۲ برخی از نویسندگان نیز چنین دیدگاهی را طرح کرده‌اند. (نک: هاشمی، ۱۳۸۲: ۴۳۹ و نجابت خواه، ۱۳۹۷: ۲۳۷-۲۳۶)

برای داور در مورد این دو دیدگاه، اشاره به نقطه نظرات یکی از نویسندگان در خصوص دو ایراد وارد بر آراء وحدت‌رویه، یعنی مداخله در امر قانون‌گذاری و نقض استقلال قضات (نک: کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۱۵۲) مفید است. گفته شده است که «بی‌گمان رأی وحدت‌رویه قضایی قانون [یا] در حکم آن نیست تا مسئله دخالت دستگاه قضایی در دستگاه تقنینی مطرح شود... به هیچ روی صدور رأی کلی و عام نیست... بلکه تبلور تفسیر قانون در موضوع مختلف‌فیه است...» (محسنی، ۱۳۹۶:

۱. در ماده ۴۴ چنین مقرر شده بود: «... این رأی برای شعب دیوان و سایر مراجع قضایی و اداری در موارد مشابه لازم‌الاتباع است...»

۲. نظرات استدلالی شورای نگهبان در بررسی لایحه تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، در سامانه جامع نظرات این شورا (<http://nazarat.shora-rc.ir>) قابل مشاهده است.

۵۴۷) در نقد این دیدگاه اجمالاً گفتنی است که ماهیت تفسیری آراء وحدت‌رویه قابل انکار نیست،^۱ اما این امر با کلی و عام بودن این آراء و ماهیت تقنینی آن‌ها منافاتی ندارد. همچنین گفته شده است که «این رأی نافی استقلال قضات و مانع تقابل اندیشه دادرسان در هر موضوع نیست که از لحظه صدور نتوانند مخالف رویه واحد دیوان عالی کشور استدلال و عمل کنند چه، مقنن اجازه داده است که همان هیئت با توجه به آراء جدید مختلف شعب، رأی وحدت‌رویه قضایی نویی صادر کند (ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری)» (محسنی، ۱۳۹۶: ۵۴۷) در نقد این دیدگاه نیز اجمالاً گفتنی است که مفاد ماده مورد اشاره، نافی تکلیف قانونی قضات به تبعیت از آراء وحدت‌رویه نمی‌باشد.

در نهایت گفتنی است، با فرض اینکه اصل ۱۶۱ متضمن اعطای صلاحیت صدور آراء وحدت‌رویه به دیوان عالی کشور است، با توجه به ماهیت و آثار مترتب بر این آراء از حیث مداخله در امر تقنین و الزام‌آور بودن آن‌ها برای قضات، برخورداری مراجع قضایی (از جمله دیوان عدالت اداری) از اختیار صدور چنین آرای، مستلزم «تصریح مقنن اساسی» است و از عهده قانون‌گذار عادی خارج است. صرف حکم قسمت اخیر اصل ۱۷۳ نیز کفایت نمی‌کند (نک: ابریشمی‌راد و آئینه‌نگینی، ۱۳۹۸: ۹۶-۹۴).

۲-۲. نبود نظارت شرعی و قانون اساسی

اصل چهارم قانون اساسی ضرورت انطباق «کلیه قوانین و مقررات» با موازین اسلامی را تجویز کرده است و تشخیص آن را بر عهده فقهای شورای نگهبان گذاشته است. اما آیا عبارت «کلیه قوانین و مقررات»، آراء وحدت‌رویه دیوان عالی کشور را نیز دربرمی‌گیرد؟ گفته شده است که با توجه به مقتضای عموم مستفاد از این عبارت، «چون احکام وحدت‌رویه دیوان [عالی] کشور نیز دارای وصف کلیت است و در حکم قانون شناخته شده است، می‌توان آن را مشمول عموم اصل چهارم قرار داد.» (خامنه‌ای، ۱۳۶۹: ۱۱-۱۲) با این حال، در قانون اساسی برای اعمال نظارت شرعی شورای نگهبان بر آراء وحدت‌رویه دیوان عالی کشور، سازوکاری پیش‌بینی نشده است.

در قوانین عادی نیز برای اعمال نظارت شرعی شورای نگهبان بر آراء وحدت‌رویه دیوان عالی کشور، سازوکاری پیش‌بینی نشده است. توضیحاً اینکه، این شورا در جریان بررسی لایحه آیین دادرسی

۱. البته اینکه آیا آراء وحدت‌رویه‌ای را که بر اساس تعارض آراء ناشی از سکوت قانون صادر شده‌اند، بتوان تفسیری دانست، محل تأمل است. به تعبیر مارمور «در چنین مواردی [سکوت قانون] لازم است دادگاه‌ها با پر کردن این خلأ، یعنی اساساً با وضع قانونی که تکلیف مورد را مشخص می‌کند، دعوا را فیصله دهند. چندان مهم نیست که ما بخواهیم این قبیل موارد را تفسیر بنامیم یا نه» (مارمور، ۱۳۹۹: ۱۸۴).

دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب ۱۳۷۸، به ماده ۲۶۹ مصوب مجلس (ماده ۲۷۰ قانون) چنین ایرادی را وارد کرد: «اطلاق ذیل ماده ۲۶۹ در صورتی که رأی اکثریت مطابق موازین شرعی نباشد خلاف شرع است.»^۱ در این ماده چنین مقرر شده بود: «رأی اکثریت ملاک عمل خواهد بود.» مجلس در مقام رفع ایراد، این حکم را بدین شرح اصلاح و مقید نمود، بدون اینکه به الزامات آن اشاره‌ای بکند: «رأی اکثریت که مطابق موازین شرعی باشد ملاک عمل خواهد بود.» لازم به ذکر است که شورای نگهبان به ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲، ایرادی نگرفت. در عمل نیز تاکنون با اعمال نظارت شرعی از سوی شورای نگهبان بر آراء وحدت‌رویه مواجه نبوده‌ایم.

در خصوص آراء وحدت‌رویه دیوان عدالت اداری گفتنی است که پیش‌تر به نظر شورای نگهبان در مورد قانون دیوان عدالت اداری، مصوب ۱۳۸۵، اشاره شد. در این نظر به ماده ۴۴ مصوبه مجلس (ماده ۴۳ قانون) ایراد دیگری نیز وارد شد که «نظر به این که اطلاق رأی وحدت‌رویه شامل مواردی که این رأی خلاف شرع باشد نیز می‌شود، خلاف موازین شرع است.» مجلس برای تأمین نظر شورای نگهبان، این عبارت را به آخر ماده مذکور اضافه کرد: «مفاد این ماده در مورد آرای که از نظر فقهای شورای نگهبان خلاف شرع تشخیص داده می‌شود می‌شود مجری نخواهد بود.» لازم به ذکر است که هیچ‌گاه فقهای شورای نگهبان رأی وحدت‌رویه‌ای را خلاف شرع تشخیص ندادند و این حکم قانونی فرصت تحقق پیدا نکرد.

این شورا در خصوص لایحه تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، راجع به موادی از مصوبه مجلس که ناظر به صدور آراء وحدت‌رویه و ایجاد رویه بود چنین ایرادی را طرح کرد: اطلاق مواد مربوط «با توجه به آثاری که دارد، در صورتی که رأی اکثریت مطابق موازین شرعی نباشد، خلاف موازین شرع است.»^۲ مجلس شورای اسلامی بر مصوبه خود اصرار ورزید و حل اختلاف به مجمع تشخیص مصلحت نظام محول شد. مجمع ماده ۹۴ را به قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ملحق نمود. در این ماده چنین آمده است: «در صورتی که آراء هیئت عمومی دیوان از سوی رئیس قوه قضاییه خلاف موازین شرع تشخیص داده شود، هیئت عمومی با توجه به نظر رئیس قوه قضاییه تجدیدنظر می‌نماید.»^۳ لازم به ذکر است که تاکنون این ماده، فرصت اجرایی

۱. نظریه شماره ۷۸/۲۱/۴۶۰۱ مورخ ۱۳۷۸/۲/۱۸

۲. نظریه شماره ۹۰/۳۰/۴۳۲۱۳ مورخ ۱۳۹۰/۵/۲۵

۳. در مورد این ماده اشاره به این نکته ضروری است که هرچند ایراد شورای نگهبان ناظر به آراء وحدت‌رویه بود، اما در این ماده تعبیر کلی «آرای هیئت عمومی» ذکر شده است.

شدن به دست نیاورده است.

با توجه به جایگاه قانون اساسی، این انتظار از دیوان عالی کشور و دیوان عدالت اداری بجا می‌باشد که در صدور آراء وحدت‌رویه، خود را مقید به اصول قانون اساسی بدانند.^۱ در این مورد نیز در قانون اساسی و قوانین عادی ترتیباتی پیش‌بینی نشده است. در ادامه به راهکار مربوط اشاره می‌کنیم.

۲-۳. تعدد مراجع صادرکننده و هم‌پوشانی تابعان

همچنان که گفته شد، در حال حاضر، علاوه بر دیوان عالی کشور، دیوان عدالت اداری به موجب قانون عادی، صلاحیت صدور رأی وحدت‌رویه را دارد. گفته شده است که «در زمان آغاز به کار دیوان عدالت اداری در نظام حقوقی ایران، این پرسش مطرح شده بود که اختلاف شعب دیوان عدالت اداری برای صدور رأی وحدت‌رویه به دیوان عالی کشور فرستاده شود یا بهتر است که به خود دیوان عدالت اداری اجازه صدور رأی وحدت‌رویه داده شود؟» که در نهایت راهکار دوم انتخاب شد (اسلامی‌پناه، ۱۳۹۷: ۲۵۲).

اما آیا این تعدد، قابل دفاع است؟ پیش‌تر به ارزیابی صلاحیت دیوان عدالت اداری برای صدور آراء وحدت‌رویه، از منظر قانون اساسی پرداختیم. در اینجا از منظر الزامات ایجاد وحدت‌رویه قضایی به این موضوع می‌پردازیم. پرسش این است که نسبت این تعدد با ایجاد وحدت‌رویه قضایی چیست؟ همچنان که پیش‌تر گفته شد، این دو دسته از آراء وحدت‌رویه، از حیث تابعان وضعیت متفاوتی دارند. شعب دیوان عدالت اداری و مراجع شبه‌قضایی مکلف به تبعیت از هر دو دسته آرا هستند، اما شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها الزامی به تبعیت از آراء وحدت‌رویه دیوان عدالت اداری ندارند. این وضعیت موجب تشتت رویه است. با این توضیح که، به‌طور مثال، شعب دیوان عدالت اداری، به‌موجب رأی وحدت‌رویه شماره ۴۳ مورخ ۱۳۹۷/۱/۲۷ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، صلاحیت رسیدگی به دعاوی به طرفیت دهیاری‌ها را ندارند، اما شعب دیوان عالی کشور، با توجه به عدم الزام به تبعیت از این رأی وحدت‌رویه، حسب اختیار ناشی از ماده ۱۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، شعب دیوان عدالت اداری را ملزم به رسیدگی به دعاوی مذکور می‌کنند.

اما اگر این تعدد قابل دفاع نباشد، راه‌حل چیست؟ یکی از گزینه‌ها واگذاری صلاحیت صدور آراء

۱. بررسی موردی آراء وحدت‌رویه از حیث مغایرت یا عدم مغایرت با قانون اساسی مجال فراخی می‌طلبد. اجمالاً و از باب نمونه، رأی وحدت‌رویه اخیر دیوان عالی کشور به شماره ۷۸۶ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۴ که حسب آن نظرات صادره از شورای انتظامی نظام مهندسی در مراجع قضایی غیرقابل اعتراض دانسته شده، مغایر برخی از اصول قانون اساسی، از جمله ۳۴ و ۱۵۹ به نظر می‌رسد.

وحدت‌رویه راجع به تعارضات شعب دیوان عدالت اداری به هیئت عمومی دیوان عالی کشور است. (نک: ابریشمی‌راد و آئینه نگینی، ۱۳۹۸: ۹۷) یکی از نویسندگان ضمن برشمردن ایرادات مختلف صدور رأی وحدت‌رویه از سوی دیوان عدالت اداری، چنین مقرر داشته است که «بهتر آن [بود] که اختلاف آراء شعب دیوان عدالت اداری نیز مانند سایر اقسام محاکم برای صدور رأی وحدت‌رویه به دیوان عالی کشور فرستاده می‌شد» (اسلامی پناه، ۱۳۹۷: ۲۵۴). به نظر می‌رسد تجویز این صلاحیت برای دیوان عالی کشور، مستلزم ورود ماهوی جدی‌تر این مرجع در خصوص دعوی در صلاحیت دیوان عدالت اداری، از طریق رسیدگی فرجامی به آراء صادره از شعب دیوان عدالت اداری است. ضمن اینکه چالش‌های عملی دیگری چون ضرورت اختصاص وقت زیادی از سوی این دیوان، با توجه به فراوانی تعارض آراء در دیوان عدالت اداری، نیز این امر را با دشواری‌هایی روبه‌رو می‌سازد.

البته برای داوری دقیق در مورد موجه یا ناموجه بودن اعطای صلاحیت صدور آراء وحدت‌رویه به دیوان عدالت اداری باید مؤلفه‌های دیگری نیز در نظر گرفته شود. از جمله، باید به وضعیت دوگانه نظام دادرسی ایران (اداری و قضایی (حقوقی و کیفری)) اشاره کرد. (نک: محسنی، ۱۳۹۱: ۱۱۳-۱۰۶) گفتنی است اگر صدور آراء وحدت‌رویه از سوی دیوان عدالت اداری با مانع قانون اساسی روبه‌رو نباشد و چالش‌های ناشی از تعدد نیز رفع شود، دوگانگی نظام دادرسی ما می‌تواند مبنایی برای تجویز این صلاحیت برای دیوان عدالت اداری باشد. با این حال، به نظر می‌رسد همچنان ایده صلاحیت انحصاری دیوان عالی کشور برای صدور آراء وحدت‌رویه، به اتکای جایگاه این مرجع در نظام قضایی ما، قابل توجه است.^۱

۴-۲. عدم پوشش تعارضات خارج از رأی

هر چند «رأی» رکن اساسی دادرسی است و در نتیجه، در بحث وحدت‌رویه، تمرکز بر آن موجه به نظر می‌رسد، با این حال، مؤلفه‌های پیش از صدور رأی، به دلیل کارکردشان در شکل‌گیری رأی نیز باید مورد توجه قرار گیرند. همین طور باید به مؤلفه‌های پس از صدور رأی نیز به دلیل نقش آن‌ها در شکل‌گیری نتیجه رأی توجه شود. با توجه به مطلب پیش‌گفته درباره مبنای صدور آراء وحدت‌رویه، مشخص است که اگر اختلاف رویه قضایی در آراء صادره از مراجع قضایی بروز و

۱. آنچه می‌تواند صحت این دیدگاه را تقویت کند توجه به این واقعیت است که بین این دو نظام دادرسی مرز قاطعی وجود ندارد. رسیدگی دادگاه‌های عمومی به بخشی از دعوی اداری، حل اختلافات صلاحیتی بین شعب دیوان عدالت اداری و دادگاه‌ها توسط شعب دیوان عالی کشور و لازم‌الاتباع بودن آراء وحدت‌رویه دیوان عالی کشور از جمله مؤلفه‌هایی است که این دو نظام دادرسی را به هم پیوند می‌زند.

ظهور نیابد، صدور آراء وحدت‌رویه در مورد این اختلافات منتفی خواهد بود. بر این اساس بسیاری از تصمیم‌های قضایی متعارض که ناظر به مراحل پیش از صدور رأی هستند راهی به آراء وحدت‌رویه نمی‌یابند. گفتنی است در حال حاضر راجع به مسائلی چون شرایط شکلی دادخواست، ابلاغ اوراق قضایی، تأمین دلیل، تأمین خواسته، رسیدگی به دلایل، دادرسی فوری و... در مراجع قضایی، با تعارض‌های رویه‌ای مواجهیم. اما، همچنان که گفته شد، عمده این تعارض‌ها در قالب آراء نمودی ندارد و در نتیجه، به صدور آراء وحدت‌رویه منجر نمی‌شود.^۱

درخصوص مؤلفه‌های دادرسی پس از صدور رأی، باید به «اجرای احکام» اشاره شود. یکی از نویسندگان آسیب‌های ناشی از تعارض‌های موجود در مرحله اجرای احکام و محدودیت‌های نهاد آراء وحدت‌رویه برای رفع این تعارض‌ها را چنین تشریح کرده است: «... اجرای حکام مدنی و جزایی، نوعاً با دستورات اداری و قضایی است که قالب رأی ندارند و هرگز نمی‌توانند شرایط رأی وحدت‌رویه را به دست آورند! چاره چیست؟ باید سال‌ها اختلاف نظر داشت و مزایده‌ها را ابطال کرد و عملیات اجرایی را اعاده نمود و... ولی تنها یک رأی وحدت‌رویه از دل قانون اجرای احکام مدنی و این همه تشتت تصمیم‌های اجرایی، زاده شود! (رأی شماره ۷۲۵ مورخ ۱۳۹۱/۵/۱۴)» (خدابخشی، ۱۳۹۸: ۱۶۷-۱۶۶).

۲-۵. مشخص نبودن زمان لازم‌الاجرا شدن آراء وحدت‌رویه

یکی دیگر از چالش‌های ساختاری آراء وحدت‌رویه، زمان لازم‌الاجرا شدن آن‌هاست. پیش‌تر گفته شد که قانون‌گذار آراء وحدت‌رویه دیوان عالی کشور و آراء وحدت‌رویه دیوان عدالت اداری را لازم‌الاتباع اعلام کرده است. اما درخصوص اولی مشخص ننموده است که مراجع مربوط از چه زمانی

۱. از باب مثال، به شماری از موارد تعارض رویه که در سامانه نشست‌های قضایی (www.neshast.org) درج شده است، اشاره می‌شود:

- ۱- در ستون خواهان دادخواست، مشخصات سه نفر قید شده در ذیل دادخواست امضایی ملاحظه می‌شود که معلوم نیست اساساً امضای کدام‌یک از خواهان‌هاست، وظیفه دادگاه در قبال این دادخواست چیست؟
- ۲- باتوجه به ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، آیا دادگاه می‌تواند در «جلسه دادرسی» پرونده را به علت نقص دادخواست به دفتر برگرداند تا از آن رفع نقص شود؟ در صورت منفی بودن پاسخ، تکلیف دادگاه در مواجهه با نقص موجود چیست؟
- ۳- آیا می‌توان در پرونده‌های حقوقی مربوط به تأمین خواسته یا تأمین دلیل، دستور ورود به منزل خواننده را جهت انجام تحقیقات یا کشف اموال جهت تنظیم صورت جلسه داد یا خیر؟
- ۴- چنانچه خواهان بدوی در مرحله تجدیدنظر تقاضای صدور دستور موقت کند، آیا دادگاه تجدیدنظر می‌تواند دستور موقت صادر کند؟

الزام به تبعیت دارند. در این خصوص گزینه‌های مختلفی متصور است. از جمله، از تاریخ اعلام نظر هیئت، از زمان تنظیم و امضای رأی، از تاریخ انتشار در روزنامه رسمی و یا همچون قوانین، لازم‌الاجرا شدن آراء وحدت‌رویه، مستلزم گذشت پانزده روز از تاریخ انتشار در روزنامه رسمی است. لازم به ذکر است که در ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، در خصوص زمان لازم‌الاجرا شدن آراء وحدت‌رویه «برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری مربوط»، حکمی نیامده است. اما ماده ۱۰۹ این قانون برای استنکاف مسئولان ذی‌ربط از اجرای رأی هیئت عمومی دیوان، «پس از انتشار آن‌ها در روزنامه رسمی کشور»، مجازات تعیین کرده است.^۱ اما این ابهام وجود دارد که آیا شعب دیوان عدالت اداری هم قبل از انتشار آراء وحدت‌رویه الزامی به تبعیت از این آراء ندارند.

۶-۲. حدود اثرگذاری آراء وحدت‌رویه بر گذشته

یکی از چالش‌های نهاد آراء وحدت‌رویه، حدود اثرگذاری آراء وحدت‌رویه بر گذشته است. گفته شده است که «چون علی‌الاصول رأی وحدت‌رویه ناسخ و ناقض آراء معارض نمی‌باشد و اثرات رأی ماهوی را در خصوص مورد منتفی نمی‌سازد، بنابراین نسبت به امور مختومه اثری نخواهد داشت» (صدرالحفاظی، ۱۳۷۲: ۴۱۱). اما همین نویسنده متذکر شده است که «تعمیم این نظریه، در مواردی محل تردید و تأمل است» (صدرالحفاظی، ۱۳۷۲: ۴۱۱). لازم به ذکر است که، به موجب قسمت اخیر ماده ۴۷۱، استثنایی بر قاعده «بی‌اثری آراء وحدت‌رویه بر آراء قطعی شده» اعمال شد که ناظر به تسری آراء وحدت‌رویه مساعد به حال محکوم‌علیه به آراء قطعی شده است. اما آیا اعمال استثنای مشابهی در مورد آراء وحدت‌رویه دیوان عدالت اداری قابل دفاع نیست؟ با این توضیح که در مواردی که این هیئت عمومی حکم به ورود شکایت را تأیید می‌کند؛ رأی وحدت‌رویه، در حق کسانی که برای آن‌ها حکم رد صادر شده است نیز اعمال شود.

همچنین استثنای در نظر گرفته شده برای اثر آراء وحدت‌رویه دیوان عدالت اداری که به موجب آن «در مورد احکامی که در هیئت عمومی مطرح و غیر صحیح تشخیص داده شده شخص ذی نفع ظرف یک ماه از تاریخ درج رأی در روزنامه رسمی حق تجدیدنظر خواهی را دارد» (قسمت اخیر ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری)، به لحاظ تبعیض آمیز بودن، قابل دفاع به نظر نمی‌رسد. چه اینکه، دلیلی برای ترجیح این اشخاص بر اشخاصی که احکام متعارض آن‌ها در هیئت عمومی طرح نشده است، وجود ندارد (مولایی، ۱۳۹۳: ۱۴۰). با این توضیح که ممکن است

۱. لازم به ذکر است که در متن مصوب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی راجع به طرح نافرجام اصلاح قانون مذکور (سال ۱۳۹۸)، این مدت به «پانزده روز پس از انتشار» تغییر یافته بود.

در خصوص موضوع مشخصی احکام متعارض فراوانی صادر شود و حتی ذی نفعان متعددی درخواست صدور رأی وحدت رویه نمایند. اما معمولاً دو یا چند حکم متعارض در هیئت عمومی طرح می‌شوند.

۳. چالش‌های کارکردی

نهاد آرای وحدت رویه، علاوه بر چالش‌های ساختاری، گرفتار برخی چالش‌های کارکردی نیز است. نابسندگی، نابهنگامی، عدم رعایت قاعدهٔ اهم و مهم و عدم اتقان و استحکام لازم، از جمله این چالش‌هاست که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

۳-۱. نابسندگی

آرای وحدت رویه، صادره از سوی هر دو دیوان، با ایراد «نابسندگی» مواجه می‌باشند با این توضیح که هر چند هیئت عمومی دیوان عالی کشور تاکنون (پایان سال ۱۳۹۹) حدود پانصد و چهل رأی وحدت رویه و هیئت عمومی دیوان عدالت اداری حدود هزار و سیصد و پنجاه رأی وحدت رویه صادر کرده است، اما این آراء وحدت رویه بخش نسبتاً محدودی از تعارض آراء موجود در نظام قضایی را پوشش می‌دهند.^۱ شمار فراوان اختلافات رویه که در نشست‌های مراجع قضایی^۲ ظهور و بروز می‌یابد، می‌تواند شاهدهی بر این مدعا باشد.

البته چنین دیدگاهی نیز طرح شده است که «صدور آراء وحدت رویه در نظام حقوقی ایران شتاب و حجم روزافزون یافته است. با افزایش روزافزون تعداد آراء وحدت رویه، کیفیت این آراء کاهش می‌یابد. حجم عظیم آراء وحدت رویه در یک نظام مبتنی بر حقوق نوشته، فاقد توجیه منطقی است و همین امر خود سبب سردرگمی قضات می‌گردد» (اسلامی پناه، ۱۳۹۷: ۲۶۰-۲۵۹). در خصوص این دیدگاه گفتنی است که حتی اگر به حجم عظیم آراء وحدت رویه قائل باشیم، باز هم ایراد نابسندگی می‌تواند به قوت خود باقی باشد. چه اینکه، این حجم عظیم، تنها بخشی از تعارض رویه موجود را دربرمی‌گیرد.^۳

۱. یکی از نویسندگان، ضمن اظهار شکایت از اینکه در خصوص اجرای احکام صرفاً یک رأی وحدت رویه صادر شده است، دیدگاه خود دربارهٔ نابسندگی کلی آراء وحدت رویه را چنین بیان کرده است: «تازه در سایر موارد هم مگر چند رأی صادر می‌شود...؟!» (نک: خدابخشی، ۱۳۹۸: ۱۶۷)

۲. لازم به ذکر است ابتدای سال ۱۳۹۷، سامانه نشست‌های قضایی دادگستری‌های سراسر کشور (www.neshast.org) راه‌اندازی شد. تاکنون در این سامانه بیش از ۸۵۰۰ پرسش و پاسخ قضایی قرار داده شده است که هر هفته به تعداد آن افزوده می‌شود.

۳. برای اثبات این مدعا، علاوه بر آنچه گفته شد، منابع دیگری نیز قابل استناد است. از جمله، گزارش‌های متعددی که راجع به موارد تهافت رویهٔ مراجع قضایی، در شماره‌های مختلف فصلنامهٔ آموزه‌های رویه قضایی (پژوهشگاه قوه

۲-۳. نابهنگامی

علاوه بر نابسندگی، آراء وحدت‌رویه با این ایراد نیز مواجه است که در برخی موارد گرفتار تأخیر بوده و بهنگام صادر نشده‌اند. در مواردی، به‌ویژه در حوزه دیوان عدالت اداری، تأخیر به حدی است که آراء وحدت‌رویه، تا حدود زیادی کارایی خود را از دست داده است.^۱ با این توضیح که بخش قابل توجهی از دعاوی مربوط، طرح و به صدور رأی قطعی متعارض انجامیده و پس از آن، رأی وحدت‌رویه صادر شده است.

لازم به ذکر است که فاصله زمانی بین تاریخ تصویب و لازم‌الاجرا شدن قوانین و مقررات مربوط و مهم‌تر از آن، تاریخ صدور آراء قطعی متعارض مربوط تا تاریخ صدور آراء وحدت‌رویه، معیار مناسبی برای ارزیابی زمانی آراء وحدت‌رویه است. به‌طور مثال، می‌توان به رأی وحدت‌رویه شماره ۷۳۳ مورخ ۱۳۹۳/۷/۱۵ هیئت عمومی دیوان عالی کشور اشاره کرد که ناظر به تعارضات چند ده‌ساله موضوع ماده ۳۹۱ قانون مدنی است. همچنین تأخیر در صدور رأی وحدت‌رویه شماره ۹۳۱ مورخ ۱۳۹۸/۵/۱۵ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری نیز قابل توجه است که آراء موضوع تعارض، قبل از سال ۱۳۸۷ صادر شده‌اند. همچنین رأی وحدت‌رویه شماره ۷۹۳ مورخ ۱۳۹۸/۴/۲۵ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری نیز قابل ذکر است که در مطالب بعدی به سرگذشت آن اشاره می‌شود.

۳-۳. عدم رعایت قاعده اهم و مهم

همیشه تعارضات متعددی در نظام قضایی در جریان است اما به‌لحاظ برخی موانع عملی، از جمله محدودیت‌های ناشی از تشکیل جلسات هیئت‌های عمومی دیوان عالی کشور و دیوان عدالت اداری، نمی‌توان همه این تعارضات را از طریق صدور رأی وحدت‌رویه رفع کرد. بر این اساس، برنامه‌ریزی و اولویت‌بندی ضرورت دارد. برای صدور آراء وحدت‌رویه، از جمله، باید قاعده اهم و مهم رعایت شود. ارزیابی اجمالی نظام صدور آراء وحدت‌رویه در دیوان عالی کشور و دیوان عدالت اداری نشان می‌دهد، این قاعده چنان که شایسته است، رعایت نمی‌شود. مفاد برخی از آراء وحدت‌رویه نشان می‌دهد که

قضاییه) منتشر و در وبگاه این فصلنامه (<http://www.raayjournal.ir>) قابل مشاهده است. در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود: وحدت و تهافت دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران در آیین دادرسی مدنی (سال ۱۳۹۲)، دوره ۴، زمستان ۱۳۹۴، (۱۳)، صص ۱۳۰-۱۲۱؛ گزارش وحدت و تهافت رویه قضایی در امور تجاری (سال ۱۳۹۲) - قسمت دوم- دوره ۵، پاییز ۱۳۹۵، (۱۶)، صص ۱۲۷-۱۲۱؛ تهافت آراء قضایی در امور اداری (شعب دیوان عدالت اداری)، دوره ۳، بهار ۱۳۹۳ (۶) صص ۱۱۴-۱۱۱.

۱. لازم به ذکر است که نمی‌توان به ضرس قاطع، تنها علت تأخیر در صدور آراء وحدت‌رویه را ناشی از عملکرد دست‌اندرکاران صدور این آراء دانست و چه بسا عوامل دیگری نیز دخیل باشند.

تعارضات مربوط، اهمیت چندانی ندارد؛ اما در همان زمان، تعارضات مهم‌تری در جریان بوده است که به صدور رأی وحدت‌رویه منجر نشده است. به طور مثال، می‌توان به رأی وحدت‌رویه شماره ۶۵۲ مورخ ۱۳۸۰/۱/۲۸ هیئت عمومی دیوان عالی کشور اشاره کرد که ناظر به پرداخت هزینه دادرسی دعاوی کیفری از سوی بانک ملی است. در مقابل، تعارضات خطیر ناشی از حدود اعتبار اسناد عادی مالکیت، قابل اشاره است که رأی وحدت‌رویه قاطعی به خود ندیده است.

در مورد آراء وحدت‌رویه دیوان عدالت اداری هم این نکته قابل ذکر است که شماری از آن‌ها، کارکردشان عمدتاً در حد ایجاد زمینه تجدیدنظرخواهی در «احکامی [است] که در هیئت عمومی مطرح و غیر صحیح تشخیص داده شده» است (موضوع قسمت اخیر ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری).^۱ اما در نقطه مقابل، مباحث اختلافی و در عین حال کلانی چون حدود اختیارات شعب در نقض تصمیمات مراجع شبه قضایی، تاکنون در آراء وحدت‌رویه، نمود قابل توجهی نداشته است.^۲ همین طور، می‌توان به تفکیک بین مراجع تشخیصی و ترفعی اشاره کرد (نک: رفیعی، ۱۳۹۹: ۲۷).

۳-۴. عدم اتقان و استحکام لازم

آرای وحدت‌رویه صادره از دیوان عالی کشور و دیوان عدالت اداری با ایراد عدم اتقان و استحکام لازم مواجه شده‌اند. از جمله، در مورد آراء وحدت‌رویه دیوان عالی کشور این ایراد کلی طرح شده است که بسیاری از آن‌ها چیزی جز تکرار قانون نیست (جعفری تبار، ۱۳۹۶: ۵۵). در کنار این ایرادات کلی، ایرادات موردی نیز طرح شده است.^۳ به طور مثال، در خصوص رأی وحدت‌رویه شماره ۳۰ مورخ ۱۳۶۴/۱۰/۳ دیوان عالی کشور این تعبیر به کار برده شده است که «خود ماده نزاع است» (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۵۵). همچنین یکی دیگر از نویسندگان، رأی وحدت‌رویه ۷۳۳ مورخ ۱۳۹۳/۷/۱۵ هیئت عمومی دیوان عالی کشور را که پیش‌تر به آن اشاره شد، «رأی کثرت رویه» نام نهاده و در مورد آن، چنین مقرر داشته است: «هیئت عمومی دیوان عالی کشور، بیش از ۴ سال است که از این رأی رونمایی کرده اما جز اینکه بر تنوع اختلاف دمیده و سبب صدور آراء متهافت شده، اثری نداشته است» (خدابخشی، ۱۳۹۹: ۳۳۵).

۱. از جمله، این آراء وحدت‌رویه قابل ذکر است: شماره ۹۱۰ مورخ ۱۳۹۸/۵/۸، شماره ۹۹۰ مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۰ و شماره ۵۴ مورخ ۱۳۹۳/۱/۱۸.

۲. به طور مشخص، می‌توان به قید مهم و البته مبهم «مؤثر» در ماده ۶۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری اشاره کرد (نک: رفیعی، ۱۳۹۹: ۸۵-۸۴).

۳. برای دیدن موارد متعددی از نقد آراء وحدت‌رویه دیوان عالی کشور، (نک: هاشمی، ۱۳۹۰: ۷۹-۳۱)

آرای وحدت‌رویه دیوان عدالت اداری نیز از آسیب عدم اتقان و استحکام بی‌نصیب نمانده‌اند. (نک: سودمندی، ۱۳۹۸) برخی از آن‌ها به دلیل ابهاماتشان، نه تنها به تعارض آراء شعب پایان نداده، بلکه تعارضات جدیدی را دامن زده و هیئت عمومی مجبور شده است پس از مدتی، اقدام به صدور رأی وحدت‌رویه جدیدی نماید. به طور مثال، می‌توان به رأی وحدت‌رویه شماره ۶۱ مورخ ۱۳۷۷/۳/۲۳ (با موضوع اعتراض به نظرات کمیسیون‌های پزشکی سازمان تأمین اجتماعی) اشاره کرد که هیئت عمومی به موجب رأی شماره ۷۹ مورخ ۱۳۸۵/۲/۱۷ اقدام به اصلاح آن نمود. اما این رأی جدید هم نتوانست به تعارض آراء پایان دهد و هیئت عمومی، پس از گذشت بیش از ۲۱ سال از رأی وحدت‌رویه اول و ۱۳ سال از رأی وحدت‌رویه دوم، رأی وحدت‌رویه دیگری به شماره ۷۹۳ مورخ ۱۳۹۸/۴/۲۵ صادر نمود. همچنین رأی وحدت‌رویه ۸۴۹ الی ۸۷۴ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۱۴ (با موضوع تبدیل وضعیت استخدامی از شرکتی به قراردادی) نیز قابل ذکر است که به لحاظ ابهام مفاد آن، تعارض آراء شعب ادامه یافت و در نتیجه، هیئت عمومی اقدام به صدور رأی وحدت‌رویه دیگری، به شماره ۲۱۶۴-۲۱۶۳ مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۱ نمود.

نتیجه

صدور آراء وحدت‌رویه از سوی دیوان عالی کشور سابقه‌ای بیش از هفتادوپنج سال و از سوی دیوان عدالت اداری سابقه‌ای بیش از سی‌وپنج سال دارد و در مجموع، از سوی هیئت عمومی این دو دیوان تاکنون نزدیک به هزار و نهصد رأی وحدت‌رویه صادر شده است. بررسی قوانین مربوط و نیز کارکرد هر دو مرجع صادرکننده نشان می‌دهد این نهاد با چالش‌های ساختاری و کارکردی متعددی مواجه می‌باشد. با توجه به جایگاه مهم این آراء در نظام حقوقی و قضایی ما، رفع آن‌ها ضروری می‌باشد که این امر مستلزم شناخت این چالش‌هاست.

ایراد مغایرت صدور آراء وحدت‌رویه از سوی دیوان عالی کشور با قانون اساسی قابل تأمل است. شایسته است در اصلاح بعدی قانون اساسی، برای رفع این ایراد، تصریحاً به صلاحیت دیوان عالی کشور برای صدور آراء وحدت‌رویه اشاره شود. ضمن اینکه سازوکارهای لازم برای اعمال نظارت شورای نگهبان بر این آراء از حیث عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی پیش‌بینی شود. ایراد مغایرت صدور آراء وحدت‌رویه از سوی دیوان عدالت اداری با قانون اساسی جدی است. افزون بر این، در مجموع، تعدد مراجع صادرکننده آراء وحدت‌رویه قابل دفاع نیست. علاوه بر این‌ها، رفع دیگر چالش‌های ساختاری، مستلزم انجام اصلاحات قانونی لازم است.

چاره‌اندیشی برای رفع چالش‌های کارکردی نیز ضروری است. پایش سازمان‌یافته و مستمر رویه و اتخاذ تدابیر مناسب برای افزایش اتقان و استحکام آراء وحدت‌رویه از جمله از طریق فراهم شدن

امکان مشارکت مؤثر قضات، وکلا و سایر صاحب نظران حقوقی در اعلام موارد نیازمند صدور رأی وحدت رویه و نیز شناخت رأی صحیح از جمله محورهایی است که برای ارتقای عملکرد مراجع صادرکننده رأی وحدت رویه می تواند مورد توجه قرار گیرد. البته ممکن است رفع کامل این چالش ها، مستلزم برخی اصلاحات ساختاری در مؤلفه های دخیل در صدور آراء وحدت رویه باشد. مثلاً تغییر ساختار هیئت های عمومی دو دیوان یا تغییر فرایند صدور این آراء.

در پایان اشاره به این نکته نیز ضروری است که برای ایجاد وحدت رویه قضایی، در کنار صدور آراء وحدت رویه، راهکارهای دیگر نیز باید مورد توجه قرار گیرد که می توانند نقش مکمل را ایفا کنند. استفاده از برخی ظرفیت های مغفول نظام قضایی، از جمله تهیه لوایح قضایی و نیز آراء اصراری و فرجامی و ارتقای دانش و تجربه قضات از جمله این هاست.



منابع

فارسی

- ابریشمی‌راد، محمدمین و حسین آئینه‌نگینی (۱۳۹۸)، «نقد صلاحیت دیوان عدالت اداری در صدور رأی وحدت‌رویه»، فصلنامه دانش حقوق عمومی، شماره ۲۵.
- اسلامی پناه، علی (۱۳۹۷)، «رویه قضایی به‌منزله منبع حقوق»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۸۴.
- باری، مجتبی (۱۳۹۶)، نکات کلیدی آراء وحدت‌رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور (حقوقی و کیفری)، تهران: کتاب آوا.
- جعفری‌تبار، حسن (۱۳۹۶)، دیو در شیشه، در فلسفه رویه قضایی، ویراست دوم، تهران: نگاه معاصر.
- خامنه‌ای، سیدمحمد (۱۳۶۹)، «اصل چهارم قانون اساسی»، مجله کانون وکلا، شماره ۱۵۲ و ۱۵۳.
- خدابخشی، عبدالله (۱۳۹۸)، حقوق دعاوی ۷، تحلیل‌ها و منتخب آراء قضایی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- خدابخشی، عبدالله (۱۳۹۹)، حقوق دعاوی ۸، تحلیل و نقد رویه قضایی (حقوقی، اجتماعی، فلسفی)، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- رفیعی، محمدرضا (۱۳۹۸)، «ایجاد وحدت رویه قضایی؛ بررسی مسائل بنیادین»، فصلنامه قضاوت، شماره ۹۸.
- رفیعی، محمدرضا (۱۳۹۹)، قالب‌های طرح دعوا و صدور حکم در شعب دیوان عدالت اداری، چاپ دوم، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- سودمندی، عبدالمجید (۱۳۹۸)، «تحلیل مصادیق مستدل و مستند نبودن آراء هیئت عمومی دیوان عدالت اداری و پیامدهای حقوقی آن»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۰۸.
- شمس، عبدالله (۱۳۸۴)، آیین دادرسی مدنی، جلد نخست، تهران: انتشارات دراک.
- صدرزاده افشار، سیدمحسن (۱۳۷۳)، «تحول دیوان کشور فرانسه»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۲.
- عابدیان، میرحسین (۱۳۷۸)، «دیوان عالی کشور و نظارت بر حسن اجرای قوانین»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۲۶.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲)، قواعد عمومی قراردادها، چاپ سوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- مارمور، آندره (۱۳۹۹)، فلسفه حقوق، ترجمه: سعید عابدی و مجید نیکویی، چاپ دوم، تهران: نگاه معاصر.
- متین‌دفتری، احمد (۱۳۸۱)، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد اول و دوم، چاپ دوم، تهران: مجد.
- محسنی، حسن (۱۳۹۶)، «اصل دسترسی به عدالت و حق دادخواهی»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۳.
- محسنی، حسن (۱۳۹۱)، «مفهوم مرجع قضایی در نظام قضایی کشور»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۰۲.
- مولاییگی، غلامرضا (۱۳۹۳)، صلاحیت و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، تهران: جنگل، جاودانه.
- نجابت‌خواه، مرتضی (۱۳۹۷)، «شرایط و موجبات تعارض آراء با تکیه بر رویه هیئت عمومی دیوان عدالت

- اداری»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۰۲.
- وکیلان، حسن (۱۳۹۷)، «جایگاه رویه قضایی و قانون به عنوان منابع حقوق در دکترین حقوقی»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۵۸.
 - هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۲)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، تهران: میزان.
 - هاشمی، محمدحسین (۱۳۹۰)، نقد و بررسی رویه قضایی، آراء وحدت رویه و آراء اصراری هیئت عمومی دیوان عالی کشور (ماهوی و شکلی)، تهران: اندیشه عصر.

نظرات شورای نگهبان

- نظریه شماره ۷۸/۲۱/۴۶۰۱ مورخ ۱۳۷۸/۲/۱۸.
- نظریه شماره ۸۴/۳۰/۱۴۳۰۶ مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۱۹.
- نظریه شماره ۹۰/۳۰/۴۳۲۱۳ مورخ ۱۳۹۰/۵/۲۵.
- نظرات استدلالی شورای نگهبان در بررسی لایحه تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری.

آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور

- رأی شماره ۶۵۲ مورخ ۱۳۸۰/۱/۲۸.
- رأی شماره ۷۲۵ مورخ ۱۳۹۱/۵/۱۴.
- رأی شماره ۷۳۳ مورخ ۱۳۹۳/۷/۱۵.
- رأی شماره ۷۸۶ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۴.

آرای وحدت رویه دیوان عدالت اداری

- رأی شماره ۶۱ مورخ ۱۳۷۷/۳/۲۳.
- رأی شماره ۷۹ مورخ ۱۳۸۵/۲/۱۷.
- رأی شماره ۸۴۹ الی ۸۷۴ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۱۴.
- رأی شماره ۵۴ مورخ ۱۳۹۳/۱/۱۸.
- رأی شماره ۹۹۰ مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۰.
- رأی شماره ۴۳ مورخ ۱۳۹۷/۱/۲۷.
- رأی شماره ۲۱۶۴-۲۱۶۳ مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۱.
- رأی شماره ۷۹۳ مورخ ۱۳۹۸/۴/۲۵.
- رأی شماره ۹۱۰ مورخ ۱۳۹۸/۵/۸.
- رأی شماره ۹۳۱ مورخ ۱۳۹۸/۵/۱۵.